

رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۹۸
بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۵۲-۲۹

کارکردهای کیفی استفاده از روش «تحلیل محتوا» در فهم احادیث*

دکتر محمد جانی پور

استادیار دانشگاه اصفهان

Email: janpoor@gmail.com

چکیده

تحولات جدید علوم حدیث در عصر حاضر را می‌توان پی‌آمد علل طبیعی و وضعی متعددی از جمله گسترش دانش بشری و ضرورت پاسخگویی دقیق و علمی به برخی اختلافات و تعارض‌های موجود در میان روایات دانست. این علل به همراه گسترش این دانش در طول پانزده قرن و عجز شدن آن با برخی ضرورت‌های پژوهشی باعث شده امروزه با پدیده‌های جدیدی در عرصه حدیث پژوهی مواجه باشیم. از جمله این پدیده‌ها، شکل‌گیری روش‌های تحقیق جدید به منظور پژوهش برای فهم بهتر احادیث است. به نظر می‌رسد آنچه امروز می‌تواند راهگشای فهم بسیاری از متون روایی و نصوص دینی باشد، تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش‌های علمی و دقیق است. از جمله این روش‌های علمی، روش «تحلیل محتوا» است که پژوهش‌های انجام شده بر مبنای این روش، نشان داده است که تاکنون این روش از قابلیت‌های بسیار خوبی جهت فهم و نقد احادیث برخوردار بوده و از همین روی پیشنهاد می‌شود محققان و پژوهشگران عرصه علوم دینی به جهت استفاده بهینه از دانش خود و عرضه بهینه آن به گروه‌های مختلف جامعه، از این روش در تحقیقات خود نیز بهره بگیرند. این پژوهش به دنبال آن است تا ضمن بیان برخی از کارکردهای کیفی استفاده از این روش در حوزه فهم احادیث، به معرفی این روش تحقیق میان رشته‌ای بپردازد. مثال‌های بیان شده در این مقاله، تحقیقاتی هستند که مؤلف با استفاده از این روش انجام داده است.

کلیدواژه‌ها: حدیث، نقد حدیث، متون روایی، تحلیل محتوا، کارکردهای کیفی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۲/۰۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۳۱.

DOI: 10.22067/naqhs.v0i0.20984

مقدمه

یکی از علل مهم انحراف از سنت نبوی (ص) فهم نادرست احادیث منقول از رسول اکرم (ص) است، لذا امامان معصوم (ع) به عنوان وارثان و حاملان علم پیامبر اکرم (ص) و به منظور هدایت امت اسلامی، به ارائه شرح و تفسیر درست از احادیث آن بزرگوار می‌پرداختند.

تأمل در کتب روایی، در کنار آثاری که به شرح و توضیح آن‌ها می‌پردازند، گاه ما را با پرسش‌هایی مواجه می‌کنند که طرح آن‌ها تاکنون کمتر سابقه داشته است. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین این پرسش‌ها این است که چرا فهم برخی عالمان اسلامی از بعضی روایات در دوره‌هایی از حیات اسلام، متفاوت از آن چیزی است که دیگر علما در سده‌ها و دوره‌های دیگر دریافته‌اند؟ اساساً چرا چنین تحولاتی در فهم روایات به وجود می‌آید و چگونه می‌توان تبیینی علمی برای چنین مسئله‌ای پیشنهاد کرد؟ می‌دانیم که چنین پرسشی در مورد فهم برخی آیات قرآن کریم نیز مطرح است. چه، تفاسیر و دریافت‌ها از برخی آیات قرآن نیز در طول تاریخ تفسیر دچار تحول شده است.

بی‌شک برای حل چنین مسئله‌ای در حوزه علم تفسیر، پاسخ‌های گوناگونی پیشنهاد کرده‌اند. بررسی مبانی کلامی یا فقهی مفسر، بررسی سندی و متنی روایاتی که او بعضاً از آن‌ها بهره گرفته است، استفاده از روش‌هایی که برای حل تعارض میان دو سخن در علم اصول فقه وجود دارد، و مانند آن، از جمله راه‌هایی است که برای تبیین این مسئله ارائه شده است (برای نمونه ر.ک: عمید زنجانی، ۱۶۷-۱۸۷).

اما در کنار این روش‌ها که در سنت علمی مسلمانان ابداع شده، روش‌های دیگری نیز برای تبیین اختلاف فهم از برخی روایات وجود دارد که اگرچه در حوزه‌های دیگری در علوم بشری ابداع شده‌اند، لیکن در برخی موارد، تبیین قابل قبول‌تری از پدیده اختلاف فهم از یک روایت پیش می‌نهند. به این ترتیب با استفاده از آن‌ها و بومی کردن کاربردهای آن در حوزه مطالعات اسلامی، می‌توان ابزاری جدید در تحلیل مدلول برخی روایات به حوزه علم فقه الحدیث وارد کرد.

از جمله این روش‌های تحقیق میان رشته‌ای، روش «تحلیل محتوا» است که می‌تواند به عنوان ابزاری جدید برای تحلیل برخی مسائل علوم اسلامی، به خصوص مسائل علمی که همانند فقه الحدیث یا تفسیر، به بررسی فهم و مدلول نصوص دینی می‌پردازند، به محققین و پژوهشگران کمک کند.

۱. ضرورت بکارگیری روش‌های تحقیق جدید در حوزه فهم حدیث

روش «تحلیل محتوا»^۱ از جمله روش‌های «تحلیل کیفی»^۱ متن کاو و متن محور است که در آن

«مفهوم» و «معنای» متن در کنار «عدد» و «شمارش»، از اهمیت والایی برخوردار بوده به گونه‌ای که از تحلیل تک تک کلمات و سپس استخراج مقوله‌ای کلی از متن، معنایی فراتر از آنچه در نگاه اول حاصل شده بود، ایجاد می‌شود.

در این روش تلاش می‌شود در فرایندی معکوس، مراحل تکون و ایجاد یک متن شناسایی شده، و از این طریق به واکاوی ماهیت متن پرداخته و متن را تحلیل نمود. پژوهش‌های انجام شده بر مبنای این روش در حوزه علوم دینی و به ویژه متون حدیثی نشان داده است که این روش از قابلیت‌های بسیار خوبی جهت فهم و نقد احادیث برخوردار بوده و از همین روی است که محققان و پژوهشگران عرصه علوم دینی به جهت استفاده بهینه از دانش خود و عرضه بهینه آن به گروه‌های مختلف جامعه، از این روش در تحقیقات خود بهره می‌گیرند. (به عنوان نمونه ر.ک: جانی پور، تحلیل محتوای ادعیه صحیفه رضویه).

در روش تحلیل محتوا، تلاش بر آن است که از تقطع متن و استخراج داده‌های کمی، راه ورودی به متن پیدا شده و تحقیق را به سمت تحلیلی کیفی از متن پیش ببریم. از این منظر روش تحلیل محتوا عهده دار دو وظیفه مهم است؛ ۱) سنجش اطلاعات کمی، ۲) راه‌یابی جهت ورود به حوزه تحقیقات کیفی. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلایلی که حدیث پژوهان را از پرداختن به روش‌های تحقیق میان رشته‌ای در نقد احادیث بازداشته دلایل ذیل باشد:

الف) صعوبت و ظرافت موضوع نقد حدیث، به عنوان دومین منبع دین اسلام.

ب) ابهام در این زمینه که کدام یک از روش‌های تحقیق میان رشته‌ای در حوزه نقد حدیث و متون روایی کارآمد بوده و قابلیت کاربردی بیشتری دارند.

در این میان، مسئله شناسایی روش تحقیق و پژوهش از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد و اگر پژوهشگری بتواند به این سؤال مهم پاسخ گفته و روش‌های کارآمد، چند بعدی و فراگیر در حوزه نقد حدیث را به عالمان دینی، به ویژه حدیث پژوهان معرفی نماید، بی شک زمینه ساز تحولی بزرگ در حوزه نقد و فهم احادیث شده است.

۲. معرفی روش تحلیل محتوا

روش «تحلیل محتوا» و یا «روش تحلیل مضمونی»^۲ که روشی علمی برای تفسیر «متن»^۳ است، از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی و به خصوص در رابطه با زیر رشته‌های علوم

1 Qualitative Analysis

2. Thematic Analysis

3. Text

سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد داشته و به علت این که نتایج به دست آمده از طریق این روش، دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشند، بسیار مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. در ذیل به صورت مختصر اطلاعاتی در رابطه با این روش بیان می‌شود.

با رشد جوامع انسانی و توسعه علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش‌های تحقیق اولیه در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برده و با تأمل بسیار روش‌های نوینی را ابداع کرد تا بتواند در عرصه پژوهش‌های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشند. یکی از مهم‌ترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها (اطلاعات) که با توجه به موضوع، شرایط و هدف این تحقیق کاربرد بیشتری برای محققان داشته است، روش تحلیل محتوا می‌باشد.

لورنس باردن در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۲۹).

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها کاملاً نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می‌باشد.

تحلیل محتوای متن تاریخیچه بسیار قدیمی دارد. با استفاده از این روش برای اولین بار کتب و متون مذهبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. در سال ۱۹۵۵ م مجموعه اشعار شاعری ناشناس تحت عنوان سرودهای صهیون مورد بررسی قرار می‌گیرد چرا که از سانسور دولتی مصون بوده و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می‌شود. اهمیت این تحلیل بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضمون این اشعار است (باردن، ۹).

لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تاثیری؟ می‌گوید». (کیوی و کامپنهود، ۲۲۲).

در رابطه با فن انتخاب شده برای تحلیل محتوای احادیث، باید گفت که پس از مطالعه انواع فنون روش

تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، برای این گونه پژوهش‌ها، فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی انتخاب شده است. مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت گیری هر کدام از عبارات احادیث نیز بر این اساس استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم شده است.

به عبارت دیگر ابتدا با نگاه به واژگان کلیدی هر حدیث، مفاهیم اولیه تشکیل دهنده مضامین و نقاط تمرکز آن استخراج شده که بیانگر کلیت فضای حاکم بر هر حدیث است. در مرحله دوم با درج عبارات حدیث در جداول تحلیل محتوا، به استخراج جهت گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته‌ایم.

پس از جمع آوری کلیه احادیث یک امام یا یک موضوع خاص و اعتبار سنجی آن‌ها، فرایند تحلیل محتوا و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی آغاز می‌شود. چگونگی یافتن مقولات و نتایج حاصل از تحقیق نیز به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تجمیع کلیه احادیث یک امام یا یک موضوع در نرم افزار «اکسل»^۱ و تفکیک آن‌ها بر اساس مخاطب یا موضوع
۲. بررسی کامل محتوای هر حدیث جهت یافتن موضوع اصلی آن.
۳. بررسی کامل عناصر تشکیل دهنده هر حدیث جهت یافتن موضوعات فرعی آن. منظور از موضوعات فرعی، عناوینی می‌باشند که هر چند به صورت مستقل در حدیث مطرح نشده‌اند، لیکن تشکیل دهنده مفهوم اصلی آن هستند.
۴. ثبت سؤالات و نکات قابل توجه هر حدیث در یادداشت‌های نظری تحقیق جهت تحلیل محتوای کیفی آن. منظور از این اقدام، ثبت تحلیل‌های توصیفی اولیه است که هر چند به اثبات نرسیده‌اند، اما در ادامه مسیر می‌توانند راهگشای محقق در تحلیل‌های کیفی باشند.
۵. بررسی و تحلیل موضوعات اصلی کلیه احادیث به منظور ایجاد یک دسته بندی موضوعی.
۶. بررسی و تحلیل موضوعات فرعی هر دسته، به منظور ایجاد یک طبقه بندی مضمونی برای هر موضوع.
۷. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات اصلی احادیث در قالب نمودار.
۸. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات فرعی هر دسته در قالب نمودار.
۹. تحلیل کیفی احادیث هر دسته بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی.

۱۰. مدل سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.

در حقیقت این امور ۱۰ گانه، روش تحقیق و عملکرد محققان در این گونه پژوهش‌ها را نشان می‌دهد که در ابتدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق به صورت اجمالی مشخص شده و در طول تحقیق نیز به صورت تفصیلی، تبیین شده است.

به عنوان نمونه، قالب جدول تحلیل محتوای احادیث در نرم افزار اکسل بدین صورت است:

جدول ۱. نمونه جدول تحلیل محتوا

ردیف	متن حدیث	مخاطب حدیث	کلیدواژگان حدیث	موضوع اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	یادداشت‌های نظری
۱						A1	
۲						A2	
۳						A3	

منظور از محتوا در این روش علمی، متون سازمان یافته و اندوخته شده مربوط به یک موضوع واحد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه را شامل می‌شود (چوپینه، ۶۷). در این تحقیق، «محتوا» به معنای متنی است منقول از امام (ع) که در منابع تاریخی نقل شده و در حال حاضر محور مطالعه پژوهشگر می‌باشد.

«موضوع اصلی»؛ عنوانی کلیدی و کلی است که بیانگر مقصود اصلی هر حدیث می‌باشد. این موضوع کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آن‌ها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می‌توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه‌ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است.

«موضوع فرعی»؛ عنوانی کلی است که هر کدام از موضوعات مطروحه در متن را شامل می‌شود. به عبارت دیگر به جهت سهولت بررسی هر متن، موضوعات استخراج شده در مرحله اول، در قالب عناوینی جزئی‌تر درج می‌شوند که به آن عناوین، موضوعات فرعی گویند. این موضوعات که توسط تحلیل‌گر استخراج شده‌اند، لایه‌های درونی متن را آشکار می‌سازند.

در ادامه جهت رعایت اختصار در کلام، تنها به ذکر برخی از نتایج حاصل از تحلیل محتوای احادیث ائمه اطهار (ع) خواهیم پرداخت.

۳. کارکردهای کیفی تحلیل محتوا در فهم احادیث

چنانکه در بخش روش توضیح داده شد، روش تحلیل محتوا در دو حوزه مطالعات کمی و کیفی قابل پیگیری است. منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مطرح شده در متن می‌باشد که محقق را با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به کار رفته در آن بیشتر آشنا می‌سازد. تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل نشان می‌دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است (کرپیندورف، ۲۶).

از آنجا که مؤلف پیش از این در مقاله‌ای دیگر به کارکردهای کمی استفاده از روش تحلیل محتوا اشاره نموده، (جهت مطالعه بیشتر ر.ک: جانی پور و شکرانی، ۲۷-۵۷) لذا در این مقاله صرفاً بر کاربردهای کیفی در حوزه فهم احادیث تأکید شده که توضیح آن بدین شرح است.

تحلیل محتوا در رویکرد کیفی به عنوان یکی از شیوه‌های تحلیل داده‌ها به کار می‌رود. تحلیل محتوای کیفی، روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با بکارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون یا اسناد می‌پردازد. افزون بر این، موادی مانند تصاویر، نوارهای صوتی و غیره را نیز می‌توان با این روش مورد تحلیل قرار داد (حریری، ۲۶۴).

به طور اساسی تقلیل متن به اعداد در تکنیک کمی، به دلیل از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است. با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش شناسنامه و کنترل شده مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت.

این تعاریف بیان می‌کنند که تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید.

بنابراین یکی از موضوعات درخور توجه در تحلیل محتوای کیفی، تصمیم‌گیری درباره این موضوع است که آیا تحلیل بر محتوای پنهان تأکید می‌کند یا آشکار؛ زیرا محتوای آشکار و محتوای پنهان در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوط‌اند، ولی تفسیرها در عمق و سطح انتزاع متفاوت‌اند. همین عامل موجب

شده است که محققان، تحلیل محتوای کیفی را به منزله روشی انعطاف‌پذیر، به‌ویژه برای داده‌های متنی در نظر بگیرند.

در بخش پیشین، برخی از کارکردهای کمی استفاده از این روش به اجمال توضیح داده شد چرا که قبلاً مقاله مستقلی از نویسنده در این خصوص منتشر شده و علاقه‌مندان می‌توانند بدان مراجعه کنند (جهت مطالعه بیشتر ر.ک: جانی پور و شکرانی، ۲۷-۵۷)، اما آنچه در این مقاله بیشتر بر آن تأکید شده، کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در حوزه فهم احادیث است که در ادامه تلاش می‌شود به تفصیل مواردی از آن‌ها بیان شود:

۳-۱. آگاهی از شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه

از جمله مهم‌ترین کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در رابطه با احادیث و متون روایی، آشنایی با شرایط فرهنگی اجتماعی جامعه عصر ائمه اطهار (ع) است. این آگاهی و آشنایی نیز از طریق احصاء و دسته‌بندی موضوعاتی صورت می‌گیرد که در روایات منقول از هر امامی (ع) مطرح شده و نمودارهای آن در ذیل جداول تحلیل محتوا درج شده‌اند.

البته لازم به ذکر است که این مسیر، تنها مسیر کسب آگاهی از شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه صدر اسلام نیست و راه‌های دیگری از جمله مطالعه کتب تاریخی و سیره نیز در این مسیر پیشنهاد می‌شوند، لکن آنچه مدنظر مؤلف مقاله از طرح موضوع در این بخش می‌باشد، آن است که از احصاء و دسته‌بندی روایات هر امامی می‌توان به مهم‌ترین موضوعات مطرح در عصر آن امام پی برد. وجه متمایز این مسیر با مسیر مطالعه کتب تاریخی آن است که در صدر اسلام با دو جبهه نسبتاً متقابل به نام اهل سنت و تشیع مواجه هستیم که اگرچه در آن زمان نامگذاری مشخص و دقیقی در خصوص عقاید و پیروان آن‌ها صورت نگرفته بود، لکن طرح برخی سؤالات از ائمه اطهار (ع) و نوع پاسخ‌هایی که ایشان بدان مطالب بیان کرده‌اند، به وضوح این تقابل اعتقادی و سیاسی را نشان می‌دهد.

این در حالی است که مؤلفین برخی کتب تاریخی و سیره به دلیل رویکردهای صرفاً تاریخی و یا سیاسی که در ذهن داشته‌اند، تنها به نقل حوادث تاریخی بدون توجه به جریانات سیاسی و یا نقل جریانات سیاسی بدون توجه به جایگاه اعتقادی هر کدام از مذاهب پرداخته‌اند. از این روی به منظور آگاهی از بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه صدر اسلام لازم است این دو مسیر توأمان طی شوند و این همان است که بدان «تحلیل گفتمان» گفته می‌شود.

به عنوان مثال در خصوص وضعیت حاکم بر جامعه عصر ائمه اطهار (ع) به خصوص پس از شهادت امام رضا (ع) و امام جواد (ع) گفته شده که در آن زمان شرایط جامعه به گونه‌ای بود که علویان و شیعیان

آزادی بیان و امکان فعالیت‌های اجتماعی و علنی را نداشته و مجبور بودند که در خفا و با رعایت جوانب احتیاط به ترویج عقاید خود پردازند. در چنین شرایطی قطعاً مسئله تقیه می‌بایست از طرف ائمه اطهار (ع) به عنوان راهکاری جهت حفظ هویت و موجودیت شیعه در جامعه مطرح شده و بیاناتی در این خصوص بویژه در راستای تنویریه کردن آن در میان شیعیان بیان کنند.

یکی از روش‌های تحقیقی که می‌تواند این مدعا را اثبات کرده و جزئیات این تئوری سازی و نظریه پردازی را تبیین نماید، تحلیل محتوای مجموعه احادیث این ائمه (ع) گرانقدر است. نتایج برخی از این تحقیق‌ها نشان می‌دهد مسئله تقیه در میان ائمه سامراء بیش از دیگر ائمه اطهار (ع) رواج و ظهور داشته و ایشان به مراتب نسبت به این مسئله توجه بیشتری نشان داده‌اند. به عنوان مثال از جمله این تلاش‌ها که در مواردی بعضاً ابتدا به ساکن از جانب ائمه اطهار (ع) شکل می‌گرفت، نام گذاری افراد به عناوین و القابی است که تا پیش از آن وجود نداشته و همین امر باعث سردرگمی و حیران شدن دشمنان در تشخیص شیعیان می‌شد. به عنوان نمونه أبو غالب الزراری نقل می‌کند که اولین کسی که جد ایشان یعنی سلیمان بن الحسن بن الجهم بن بکیر بن أعین را به لقب «زراری» ملقب کرده است، أبو الحسن علی بن محمد، صاحب العسکر می‌باشد که به جهت توریه و تقیه و حفظ جان وی، او را بدین نام ملقب نموده است (ابو غالب زراری، ۳۲؛ ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ۱/ ۲۸۰، ح ۲۳؛ خزعلی، ۳/ ۱۵۳).

همچنین علی بن مهزیار نیز در نامه‌ای از امام می‌پرسد: آیا می‌توان به برخی از احکام فرقه‌های مخالف مادامی که اصل احکامشان را از ما (شیعیان) گرفته‌اند و مجبور هستیم، عمل کنیم؟ «سألته هل نأخذ فی أحكام المخالفین ما یأخذون مفا فی أحكامهم». امام در پاسخ می‌نویسد: «یجوز لکم ذلک إن شاء الله إذا کان مذهبکم فیه التقیة منهم و المداراة لهم» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۷/ ۲۲۶، ح ۳۳۶۵۲؛ خزعلی، ۳/ ۱۷۸).

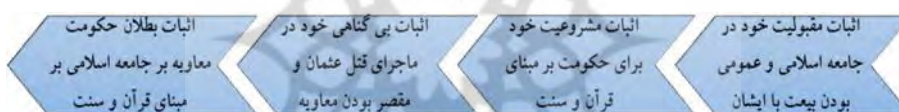
۲-۳. آگاهی از ساختار حاکم بر روایات

از جمله دیگر کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در مطالعه متون روایی، آگاهی از منطق و ساختار حاکم بر روایات و احادیث است. در حقیقت هدف اصلی از بکارگیری روش تحلیل محتوا در پژوهش‌های میان رشته‌ای، کشف ساختار و نظام حاکم بر متون مورد مطالعه به منظور ترسیم یک سامانه کامل و تصویرپردازی از محتوای کلی متون است، چرا که به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر و تحلیل محتوای آن‌هاست که می‌توان تا اندازه زیادی به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با موضوع مورد مطالعه و اعماق اندیشه‌های او دست یافت. این مطلب نیز مبتنی بر اصولی است که در علوم روان‌شناسی و همچنین زبان‌شناسی تفصیلاً مطرح شده است.

در خصوص مطالعه احادیث ائمه اطهار (ع) باید گفت که این کارکرد، از جمله مهم‌ترین کارکردهای روش تحلیل محتوا می‌باشد و در نتیجه تحلیل‌های کمی حاصل می‌شود، بدین معنا که پس از تفکیک و دسته‌بندی روایات، سنجش فراوانی واژگان کلیدی، موضوعات اصلی و قالب‌های بیانی که راه را برای ورود به تحلیل‌های کیفی باز می‌کنند، می‌توان در نهایت ساختار حاکم بر مجموعه روایات ائمه اطهار را استخراج کرده و نموداری کلی از مجموع کلمات ایشان ارائه داد.

به عنوان مثال در دوران حکومت ۴ ساله امیرالمؤمنین (ع)، تعداد ۳۲ نامه مابین ایشان و معاویه رد و بدل شده که هر کدام به موضوعی خاص اشاره داشته و مسائل مختلفی در آن‌ها مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین نتایج تحلیل محتوای این مکاتبات، آن بود که ساختار حاکم بر این مکاتبات را نشان می‌دهد. ذیل نموداری درج شده است که بیانگر ساختار حاکم بر این مکاتبات و سلسله استدلال‌هایی است که حضرت علی (ع) در مقابل تهمت‌ها و انتقادات معاویه مطرح کرده‌اند:

نمودار ۱: زنجیره استدلال‌های حضرت علی (ع) در برابر معاویه



چنانکه مشاهده می‌شود، حضرت در ابتدا تلاش کرده‌اند با ارائه استدلال‌هایی در مورد عمومی بودن بیعت مردم با ایشان، مقبولیت خود را به عنوان رهبر و حاکم جامعه اسلامی مطرح کرده و سپس با ارائه شواهد و مدارکی از قرآن و سنت، مشروعیت خود برای این مسئولیت را نیز بیان کنند. در مرحله سوم نیز با طرح ادله ای، مسأله قتل عثمان را تبیین نموده و بی‌گناهی خویش در این ماجرا و مقصر بودن معاویه را مطرح کرده و در نهایت نیز با طرح براهینی دیگر، باطل بودن حکومت فردی چون معاویه بر جامعه اسلامی را نفی کرده و ماهیت حقیقی جنگ خود با معاویه را، جنگ حق با باطل قلمداد کرده و بدین صورت حقیقت جنگ صفین را تبیین نموده‌اند.

۳-۳. آگاهی از سبک و سیره خاص هر امام (ع)

از دیگر کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در خصوص متون روایی منسوب به ائمه اطهار (ع) به ویژه تحلیل مجموعه روایات یک امام (ع)، آگاهی یافتن از سبک و سیره خاص آن امام در برخورد با مسائل مختلف است. این آگاهی از آنجا ناشی می‌شود که در پی تحلیل مجموعه کلمات ایشان، می‌توان

ویژگی‌های خاصی را مشاهده و در ضمن جداول تحلیل محتوا و در قالب یادداشت‌های نظری جمع‌آوری کرد تا در نهایت به عنوان یکی از گزارش‌ها و خروجی‌های تحقیق بیان شوند.

این آگاهی اگرچه به صورت مطالعه کتابخانه‌ای نیز برای محققین فراهم شده و به عنوان یک امر طبیعی در حوزه مطالعات سیره‌شناسی و پژوهش‌های اجتماعی شناخته می‌شود که از رهگذر مطالعه مطالب مربوط به یک نفر، از افکار و عقاید و سبک زندگی آن فرد اطلاعاتی را کسب کنند، لکن وجه خاص و ممیزه استفاده از روش تحلیل محتوا در این خصوص آن است که:

اولاً؛ در روش تحلیل محتوا، محقق بدون هیچ‌گونه پیش‌فرضی مطالعه و تحقیق را شروع کرده و عناصر شاخص و ویژه هر متن پس از تحلیل‌های اولیه کمی خود را برای محقق نمایان می‌سازند و لذا این متن مورد مطالعه است که مسیر ادامه تحقیق و گزاره تحلیل‌های کیفی را به محقق نشان می‌دهد.

ثانیاً؛ در ضمن استفاده از روش تحلیل محتوا، محقق می‌تواند پس از مواجهه با هر مورد خاص و ویژه‌ای که در نگاه اول، جایگاهی در ساختار پژوهش نداشته و وضعیت آینده آن معلوم نیست، گزاره مورد نظر خود را در ستونی با عنوان «یادداشت‌های نظری» درج نماید. طبیعی است پس از اتمام تحلیل مجموعه مطالب و استخراج نتایج تحلیل‌های کمی، جایگاه برخی از مطالب یادداشت شده مشخص شده و در آن صورت محقق می‌تواند با مروری سریع بر آنچه نگاشته است، ادامه مسیر در حوزه آن موضوع خاص را پیگیری کند.

ثالثاً؛ در ضمن مطالعات کتابخانه‌ای، محقق می‌بایست هر نکته خاص و برجسته را در فیش‌های جداگانه‌ای یادداشت کرده تا بتواند در انتهای تحقیق از آن‌ها استفاده کند. طبیعی است که این فیش‌نگاری نیز به دو صورت انجام می‌شود: یا موضوعات از قبل مشخص شده‌اند و یا اینکه در طی مسیر تحقیق این موضوعات مشخص می‌شوند. در حالت دوم که مشابه روش تحلیل محتوا است، محقق تنها می‌تواند یک متن را به یک فیش خاص اختصاص دهد در حالی که ویژگی خاص و ممیزه روش تحلیل محتوا که حتی می‌توان از آن به «برگ برنده» این روش نسبت به دیگر روش‌های مطالعه و تحقیق نام برد، این است که یک متن می‌تواند به فیش‌های مختلف و متعددی استناد داده شود تا در مواقع مورد نیاز بتوان بر اساس فیلتر کردن آن موضوع، به متن مورد مطالعه دست یافت.

طبیعی است که انجام این کار به صورت دستی بسیار سخت و طاقت‌فرسا بوده و به همین دلیل در پژوهش‌های معاصر، با استفاده از نرم‌افزارهای مختلف تلاش می‌شود تا همه متون اصلی مورد مطالعه ابتدا به صورت دیجیتالی ثبت و در مرحله دوم بخش‌های لازم هر متن به قسمت‌ها و فیش‌های مربوطه الصاق شود.

نهایت آنکه با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌توان در صورت لزوم هر کدام از موضوعات مورد نیاز را که در بخش یادداشت‌های نظری تحقیق نگاشته شده‌اند، در کمترین زمان و با شیوه‌ای نوین جمع‌آوری و احصاء نمود. در ادامه به منظور تبیین بهتر این مطلب نمونه‌های از این اقدام بیان می‌شود.

۳-۳-۱. آگاهی از الگوی مدیریتی امام علی (ع)

چنان که می‌دانیم، رسالتی که انبیای الهی بر دوش داشته‌اند، رها کردن انسان از زنجیرهای ظلم و ستم ظالمان و مستکبران بوده است؛ همان حرکت آزادی بخش که بسترهای مناسب را جهت پذیرش هدایت آماده کرده و محیط فکری انسان را از عناصر مضر پاک می‌کند. پیامبر اکرم (ص) و حضرات معصومین (ع) نیز با پیاده کردن الگوهای جامع الهی - اخلاقی سعی داشته‌اند به ایجاد نظامی نوین و حاکمیتی فوق بشری در حیات دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملت‌ها دست بزنند تا در این راه، مستضعفان را ضد مستکبران یاری کرده و محیطی عاری از شرور را تأسیس کنند.

در این میان شناسایی الگوهای اتخاذ شده از سوی ایشان امری مهم و ضروری است، لذا شایسته است رهبران، مسئولان و دغدغه‌مندان هر جامعه‌ای در راستای مدیریت بهینه جامعه خود به مطالعه و استخراج این الگوها پرداخته و مسیر هدایتگرانه آن رهبران الهی را ادامه دهند.

بر اساس آنچه از تحلیل محتوای مکاتبات مبادله شده میان امیرالمؤمنین علی (ع) و معاویه در خلال جنگ صفین به عنوان یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و بحرانی‌ترین جنگ‌های صورت گرفته در دوران حکومت کوتاه آن حضرت، می‌توان برداشت کرد اینکه امام علی (ع) به منظور مدیریت این بحران راه کارها و استراتژی‌هایی اتخاذ کرده و متناسب با آن اقداماتی را انجام داده‌اند. از جمله آن که حضرت (ع) بهترین راه کار و پاسخ در برابر یاهو گویی‌ها و سرکشی‌های معاویه و اصلاح انحرافات ایجاد شده توسط وی را، تمسک به اصول اخلاقی دانسته و به این مناسبت تلاش کرده‌اند در حد ممکن نصایحی اعتقادی، سیاسی و اخلاقی به وی داشته باشند که این مطلب بیانگر بعد خاصی از نحوه مدیریت سیاسی حضرت است.

از دیگر اقدامات حضرت می‌توان به تلاش‌های ایشان برای تبیین علل وقوع جنگ به منظور آگاه‌سازی مردم جامعه و همچنین افشای ماهیت نفاق رهبران احزاب مخالف (قاسطین، مارقین و ناکثین) اشاره کرد. به عنوان نمونه بخش عظیمی از مکاتبات آن حضرت با معاویه و دیگر خواص جامعه آن زمان، به موضوع تبیین علل شروع جنگ و افشای ماهیت منافقانه معاویه، عمر و عاص و برخی افراد دیگر اختصاص دارد.

از دیگر سیاست‌های حضرت علی (ع) در حل قانله جنگ صفین و مدیریت بحران آن می‌توان به تلاش‌های آن حضرت برای تبیین نقاط منفی و ضعف احزاب مخالف و همچنین تلاش برای تبیین نقاط مثبت و قوت احزاب موافق اشاره کرد. این عمل هم در رفتار و گفتار حضرت و هم در مکاتبات صورت

گرفته مشهود بوده است. در ادامه به منظور تبیین بهتر آنچه گفته شده، مدل الگوی مدیریت بحران‌های سیاسی - اجتماعی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) که ماحصل استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم کلام ایشان می‌باشد، به صورت ذیل درج شده است:

نمودار ۱. الگوی مدیریتی حضرت علی (ع)



به اعتقاد نگارنده، اگرچه این مدل بر مبنای مطالعه صورت گرفته به روش تحلیل محتوا و بر مبنای مکاتبات آن حضرت با معاویه بوده است، لکن از آنجا که جنگ صفین یکی از بحرانی‌ترین، طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین جنگ‌های واقع شده در دوران خلافت آن حضرت بوده و دشمنان آن حضرت نیز از جمله شخصیت‌های حيله گر و منافق جامعه بوده به گونه‌ای که ماهیت نفاق آنان حتی برای برخی از یاران و صحابه امام (ع) نیز روش نبود، لذا الگوهای به کار گرفته شده از جانب آن حضرت (ع) می‌تواند به عنوان الگویی عام و قابل انطباق با دیگر بحران‌های سیاسی اجتماعی مشابه قلمداد شده و به عنوان الگویی مناسب در دیگر مناسبات پیگیری شود.

۳-۳-۲. آگاهی از اقدامات امام هادی (ع) برای تبیین جایگاه ولایت و امامت

در پی فضای اختناق و انحطاط قرن دوم هجری که توسط خلفای عباسی در جامعه اسلامی ایجاد شده بود، یکی از مهم‌ترین وظایف ائمه اطهار (ع) به خصوص در نیمه دوم قرن اول هجری، تلاش برای تبیین جایگاه ولایت و امامت در جامعه اسلامی و تبیین مسئله ضرورت رجوع مردم در همه امور به سمت امام معصوم (ع) بوده است. این جریان سازی و سیاست کلی توسط ائمه سامرا به ویژه از طرف امام هادی (ع) نیز پیگیری شده و به وضوح در احادیث و مکاتبات منقول از ایشان قابل مشاهده است. ایشان این هدف را با شیوه‌های مختلفی پیگیری نموده‌اند، همچون: ارائه دلیل و برهان به منظور اثبات خود به عنوان امام بر حق، تجلیل از ائمه اطهار پیشین، معرفی جانشینان خود، معرفی حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین امام موعود، معرفی نواب و وکلاء، برائت از دشمنان اهل بیت (ع) و آموزش تقیه از دشمنان به شیعیان. در خصوص شیوه‌های امام هادی (ع) برای پیگیری موارد فوق نیز یکی از نکات بسیار مهم، استفاده از «علم غیب» به عنوان یکی از خصائص و ویژگی‌های ائمه اطهار (ع) در کنار استناد به اقوال پدران بزرگوارش و نصوص مبتنی بر تعیین ایشان است. این امر عمدتاً در قالب پاسخ‌گویی به سؤالات ذهنی افراد می‌باشد و منظور از این اصطلاح، تلاش امام برای پاسخ به سؤالاتی است که آن فرد یا افراد نزدیک به او از امام (ع) داشته‌اند اما به دلایلی در نامه خود ننوشته و تنها در ذهن خود آن را طرح نموده‌اند. امام هادی (ع) در این گونه موارد در کنار پاسخ‌گویی به سؤالات ظاهری افراد، به آن سؤال ذهنی و طرح نشده نیز پاسخ داده و بدین وسیله تلاش دیگری برای اثبات امامت و حقیقت خود نموده‌اند.

به عنوان نمونه ایوب بن نوح نامه ای بدین مضمون برای امام می‌نویسد: «کتبت إلی أبی الحسن (ع) و قد تعوض لی جعفر بن عبد الواحد القاضی و کان یؤذینی بالكوفة لشکو إلیه ما ینالنی منه من الأذى». امام هادی (ع) نیز در پاسخ به وی می‌نویسد: «تکفی أمره إلی شهرین». ایوب بن نوح در ادامه گزارش خود توضیح می‌دهد که حاکم کوفه پس از گذشت دو ماه از منصب خود عزل و به مکانی دیگر تبعید شد (راوندی، ۱/ ۳۹۸؛ اربلی، ۲/ ۳۸۵؛ مجلسی، ۵۰/ ۱۷۵، ح ۵۵؛ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ۳/ ۳۸۱، ح ۵۷؛ نباطی بیاضی، ۲/ ۲۰۳، ح ۵؛ خزعلی، ۳/ ۱۳۴).^۲

همچنین علی بن محمد الحجال نقل می‌کند که برای امام (ع) نامه‌ای نگاشته و در آن از بیماری خود شکایت کرده و از آن حضرت طلب دعا برای سلامتی نموده است، لکن امام هادی (ع) در پاسخ به وی

^۲ لازم به ذکر است که منابع یاد شده در انتهای هر نامه، ابتدا در نرم افزار اکسل درج شده و سپس بر مبنای آن، معتبرترین مکاتبات جهت ذکر نمونه انتخاب شده‌اند. لذا کثرت منابع یاد شده به جهت تبیین اعتبار نامه و همچنین دقت در نقل اقوال است.

چنین نگاشته‌اند: «کشف الله عنک و عن لیبک». و در ادامه علی بن محمد الحجال توضیح می‌دهد که پدرم نیز از جمله موالیان حضرت و بیمار بوده، اما اسمی از او در نامه نبرده است (اربلی، ۳۸۸/۲؛ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ۳/۳۸۲، ح ۶۰؛ مجلسی، ۱۸۰/۵۰، ح ۵۶؛ خزعلی، ۳/۱۷۹).

از دیگر راهکارهای حضرت هادی (ع) در راستای زمینه سازی برای غیبت حضرت مهدی (عج)، تعیین نواب و وکلاء جهت مراجعات مستقیم مردم با ایشان، اخذ وجوهات شرعی، پاسخگویی به مسائل و افتا و ... بوده است. در این خصوص حضرت افرادی خاص و متعهد را شناسایی و هر کس را در شهر خود منصوب کرده و با نگارش نامه به بزرگان و مردم آن بلاد، آنان را معرفی کرده است.

به عنوان نمونه ابراهیم بن محمد الهمدانی نقل می‌کند که در سال ۲۴۸ ه. ق نامه‌ای به امام نوشته و در آن از دو تن که خود را نائب و وکیل آن امام خوانده و باعث اضطراب و حیرت مردم شده‌اند، پرسش نمودم. امام هادی (ع) در پاسخ فرمودند: «لیس عن مثل هذا یسأل و لا فی مثله یشک قد عظم الله قدر علی بن جعفر، منعا لله تعالی عن أن یقاس إلیه، فاقصد علی بن جعفر بحوائجک، و اجتنبوا فارسه و امتنعوا من إدخاله فی شیء من أمورکم أو حوائجکم، تفعل ذلك أنت و من أطاعک من أهل بلادک، فإنه قد بلغنی ما تموه به علی الفاس فلا تلتفتوا إلیه إن شاء الله» (کشی، ۵۲۷، رقم ۱۰۰۹؛ خزعلی، ۳/۱۰۲).

آنچه در این بخش مهم است، تلاش دقیق و ظریف امام برای بکارگیری علم غیب خود جهت اثبات امامت و حقانیت خود و فرزندان‌شان می‌باشد که تنها پس از یک دسته بندی کلی و احصاء جمیع نامه‌ها می‌توان متوجه آن شد وگرنه با مشاهده هر نامه ممکن است ذهن به سمت آن موضوع خاص معطوف شده و از درک کلیت موضوعاتی که در این زمینه بیان شده‌اند، غافل شود.

۳-۳-۳. آگاهی از روش امام هادی (ع) برای تبیین مبانی احکام دین

می‌دانیم که یکی از شئون امام (ع) در جامعه، پاسخگویی به پرسش‌های مردم در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، فقهی، اجتماعی و همچنین تبیین مبانی احکام اسلامی در جامعه است. در این میان آنچه مهم است، شناسایی شیوه هر امام در این زمینه و استخراج کیفیت کاربرد هر کدام از موارد فوق در کلام امام می‌باشد. تحلیل محتوای مجموع مکاتبات امام هادی (ع)، بیانگر این مطلب بود که ایشان دو اقدام مهم و اساسی در این زمینه انجام داده‌اند که عبارت هستند از:

الف) تصحیح اعتقادات در خصوص اصول دین

ب) تبیین ملاک‌های کشف احکام

این تفکیک و دسته‌بندی محصول تجزیه و تحلیل مجموع مکاتبات بوده و در حقیقت ملاک نام‌گذاری و تقسیم، نتایجی است که بر مبنای جداول تحلیل محتوا استخراج شده است.

در بخش تصحیح اعتقادات تلاش امام هادی (ع) بر آن بوده است که مباحث مربوط به اصول دین مانند توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد را به طور کامل برای مردم جامعه خود تشریح کرده و تبیین نمایند. به عنوان مثال ابراهیم بن محمد الهمدانی نامه‌ای به امام نوشته و در آن اختلاف نظر مردم در خصوص توحید را به اطلاع امام رسانده و نظر امام را جویا شده است. نگاشته وی چنین است: «لأن من قبلنا من موالیک قد اختلفوا فی التوحید فمنهم من یقولی جسم و منهم من یقولی صورة».

پاسخ امام نیز بدین شرح می‌باشد: «سبحان من لا یحد و لا یوصف لیس کمثلہ شیء و هو السمع العلیم» (مجلسی، ۳/۲۹۴، ح ۱۷؛ کلینی، ۱/۱۰۲، ح ۵؛ خزعلی، ۳/۹۷).

محمد بن عیسی بن عبید الیقطنی نیز چنین پرسشی را در خصوص توحید مطرح می‌نماید: «جعلنی اللہ فداک یا سعیدی قد ووی لنا أن اللہ فی موضع دون موضع علی العرش استوی و أنه یزلی کل لیلۃ فی الفصف الأخیر من اللیل إلى السماء دنیا و ووی أنه یزلی عشیة عرفة ثم یوجع إلى موضعه فقال بعض موالیک فی ذلك إذا کان فی موضع دون موضع فقد یلاقیه الهواء و یتکنف علیه و الهواء جسم رقیق یتکشف علی کل شیء بقدرة فکیف یتکنف علیه جلی ثناؤه علی هذا المثل».

امام هادی (ع) در پاسخ به وی می‌فرماید: «علم ذلك عنده و هو المقدر له بما هو أحسن تقديره و اعلم أنه إذا کان فی السماء دنیا فهو كما هو علی العرش و الأشياء كلها له سواء علمه و قدره و ملكه و إحاطة» (کلینی، ۱/۱۲۶، ح ۴؛ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ۱/۲۱۱، ح ۱۷۶؛ فیض کاشانی، ۱/۴۰۳، ح ۳۲۴؛ زرکشی، ۳/۳۱، ح ۷؛ خزعلی، ۳/۲۱۶).

در رابطه با تبیین ملاک‌های کشف احکام نیز تلاش امام هادی (ع) بر آن است که با ارجاع مردم به قرآن کریم و سپس روایات ائمه اطهار (ع) به گونه دیگری، بر نقش ائمه در جامعه اسلامی تأکید کرده و این مهم را به همگان گوشزد کنند. در این قسمت نیز به عنوان نمونه مکاتبات صورت گرفته مطرح می‌شود:

جعفر بن رزق الله نقل می‌کند که عالمان دربار متوکل در خصوص مردی نصرانی که مرتکب کبیره شده و در هنگام اقامه حد بر او اسلام آورده است، اختلاف نظر پیدا کرده بودند. برخی از قاضیان معتقد بود که ایمان او به واسطه عمل کبیره‌ای که انجام داده و در شرایط حاضر نفعی به حال او ندارد اما برخی دیگر معتقد بودند آن فرد باید بخشیده شود. به علت کثرت اختلاف نظرها، متوکل عباسی دستور می‌دهد که موقوف را خدمت امام هادی (ع) گزارش داده و نظر ایشان را جویا شوند. امام در پاسخ به ایشان چنین

می‌نگارند: «بسم الله الرحمن الرحيم، فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفونا بما كنا به مشركين. فلم يك ينفعهم إيمانهم لما رأوا بأسنا سمّت الله التي قد خلت في عباده و خسرها لك الكافرون» (كلینی، ۷/۲۳۸، ح ۲؛ بحرانی، ۱۸/۵، ح ۴؛ زرکشی، ۱۰۴/۴، ح ۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱/۲۸، ح ۳۴۴۲۰؛ خزعلی، ۱۹۷/۳).

این پاسخ مستدل و مستند امام باعث می‌شود متوکل دستور دهد تا آن مرد نصرانی را اعدام کنند. حتی در مواردی که افراد برای شفای بیماری‌های خود از آن حضرت طلب دعا می‌کنند، امام ایشان را به قرآن ارجاع داده و می‌فرمایند: «کشف الله ضیوک و دفع عنک مکاره الدنيا و الآخرة و ألح علیه بالقوآن فإنه یشفى إن شاء الله تعالی» (حموی، ۳۶۵، س ۱۸؛ بسطام، ۴۴۶، ح ۱۴؛ مجلسی، ۱۰۵/۹۲، ح ۲؛ خزعلی، ۱۴۷/۳).

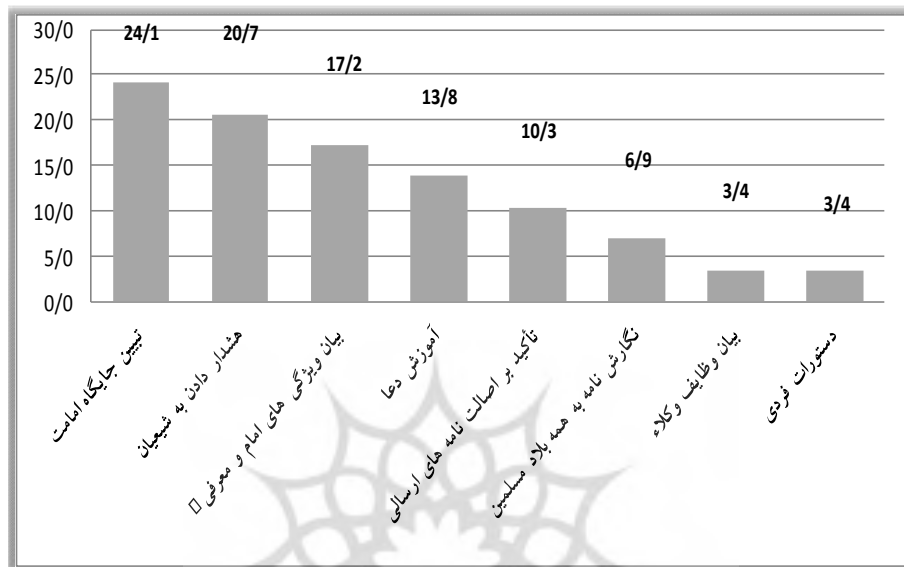
داود بن فرقد الفارسی نیز در رابطه با کیفیت عمل به روایات منقول از ایشان و پدران بزرگوارشان پرسش نموده که امام در پاسخ می‌فرمایند: «ما علمتم أنه قولنا فالزموه و ما لم تعلموا فودوه إلینا» (صفرار، ۵۴۴، ح ۲۶؛ مجلسی، ۲۴۱/۲، ح ۳۳؛ صدر، ۳۰۵/۱۷؛ خزعلی، ۱۵۰/۳).

۳-۳-۴. آگاهی از اقدامات امام حسن عسکری (ع) برای تبیین جایگاه ولایت و امامت

همانگونه که در خصوص فضای عصر امام هادی (ع) توضیح داده شد، ائمه سامرا در نیمه اول قرن دوم هجری تلاش داشتند تا هرچه بیشتر جامعه شیعیان را با مفهوم امامت و ولایت و ویژگی‌های آن آشنا کرده و بدین وسیله هم تبلیغات مسموم حکومت عباسی را خنثی نموده و هم برای تولد و غیبت حضرت مهدی (عج) زمینه‌سازی کرده باشند. در این راستا آنچه مهم می‌باشد، شناسایی نوع اقدامات این امامان همام در این زمینه است.

در بخش کارکردهای تحلیل محتوای کمی در فهم احادیث گفته شد که یکی از ملاک‌های تقسیم بندی مکاتبات هر امام، بر مبنای علت نگارش نامه است. از این روی کلیه مکاتبات امام حسن عسکری (ع) را می‌توان به دو دسته تقسیم بندی نمود: مکاتباتی که در پاسخ به سؤالات افراد بیان شده است و مکاتباتی که امام (ع) ابتدا به ساکن به نگارش آن پرداخته و مطالبی را بیان نموده‌اند. این بخش از نامه‌ها در حدود ۱۸٪ یعنی ۲۹ عدد نامه را شامل می‌شود که فهرست موضوعات آن‌ها بیانگر اقداماتی است که آن امام همام در راستای تبیین جایگاه ولایت و امامت در جامعه انجام داده‌اند و نمودار سنجش فراوانی آن‌ها به شرح ذیل است:

نمودار ۳: سنجش فراوانی موضوع توقیعات امام حسن عسکری (ع)



نمودار فوق نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی این دسته از مکاتبات، مربوط به نامه‌هایی است که امام قصد داشته‌اند تا به واسطه آن، جایگاه امامت در جامعه اسلامی را تبیین نموده و مردم را در این خصوص آگاه نمایند. به عنوان مثال توقیعی از ایشان نقل شده است که مفهوم کلی آن، بیان جایگاه و اهمیت ائمه اطهار (ع) و نقش آنان در هدایت جامعه بشری است: «... فنحن المنام الأعظم و فینا الغبوة و المولایة و الکرم و نحن مناو الهدی و العروة الوثقی و الأنبیاء کأنوا یقتبسون من أنوارنا و یقتفون آثارنا و سیظهو حجة الله علی الخلق بالصیف المسلمون لإظهار الحق...» (مجلسی، ۲۶/۲۶). مشخص است که مفهوم کلی این نامه، بیان جایگاه و اهمیت ائمه اطهار (ع) و نقش آنان در هدایت جامعه بشری است.

مورد مهم دیگر که در این بخش مشاهده می‌شود، مکاتباتی است که امام به منظور هشدار دادن به شیعیان نگاشته‌اند و آنان را در خصوص برخی مسائل اجتماعی و حتی عبادی و فردی انذار نموده‌اند. به راستی که می‌توان گفت یکی از وظایف خاص انبیاء و اولیاء الهی، این انذار و هشدار دادن به مردم جهت رعایت تقوا و حدود الهی است.

به عنوان نمونه، توقیعی از آن حضرت (ع) برای «اسحاق بن اسماعیل» صادر شده است که مضمون آن بدین شرح می‌باشد: «و ایم الله إنها لعقبة کنود شدید أموها صعب مسلکها عظیم بلاؤها طویان عذابها

قدیم فی الوبر الأولی ذکوها... و اعلم یقیناً یا إسحاق أن من خرج من هذه الحیاة الدنیا أعمی فهو فی الآخرة أعمی و أضل سبیلاً إنها یا ابن إسماعیل لیس تعمی الأبصار و لکن تعمی القلوب الّتی فی الصدور؛ سوگند بخدا که گردنه قیامت، گردنه‌ای است دشوار گذر، کارش سخت و راهش دشوار و گرفتاریش بزرگ باشد، که ذکر و یاد آن در نوشته‌های پیشینیان هست... ای اسحاق به یقین بدان؛ هر کس که از این جهان کور خارج شود، در آن جهان نیز کور است و گمراه‌تر، ای اسحاق منظور نه کوری چشم است بلکه کوری دل‌هایی که در سینه‌ها است. (کشی، ۵۷۵)

نکته دیگر در این بخش، تلاش امام برای معرفی جانشین بعد از خود و معرفی حضرت مهدی (عج) به عنوان امام پس از خود است. این مطلب که در حقیقت یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین موضوعات فرعی مطرح شده در تمامی مکاتبات امام است، به وضوح و حتی با تأکید بر نام مبارک ایشان مشاهده می‌شود. این مطلب زمانی اهمیت خاص خود را پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم امام حسن عسکری (ع) برای ابلاغ این مطلب، از راه کارهای متعددی استفاده کرده‌اند که تعیین وکلاء، در غیبت بودن از انظار عمومی مردم، تلاش برای ترویج مکاتبه با امام به جای مشاهده حضوری، نگارش نامه به همه بلاد مسلمین، تأکید بر اصالت نامه‌های ارسالی، به کارگیری علم غیب در پاسخ به سؤالات مردم، پاسخ به سؤالات ذهنی افراد و مواردی از این دست، تنها نمونه‌هایی از این شیوه‌ها و راه کارها می‌باشند.

مطلب دیگری که در این بخش مشاهده می‌کنیم، تلاش امام برای آموزش دعا به شیعیان است. به نظر می‌رسد یکی از کارکردهای مهم ارسال انبیاء و اولیاء الهی، آموزش چگونگی برقراری ارتباط با خداوند متعال از خلال آموزش دعا به ایشان است. این مطلب به وضوح در رفتار و سیره پیامبر مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) مشاهده می‌شود. امام حسن عسکری (ع) نیز این وظیفه را به نحو احسن انجام داده و ادعیه‌هایی را به مردم آموزش داده‌اند. (ر.ک: ابن طاووس، ۶۳).

همچنین آنچه پس از یک دسته بندی کلی و احصاء جمیع نامه‌های امام حسن عسکری (ع) به روش تحلیل محتوا می‌توان به دست آورد، این است که تلاش امام برای اثبات امامت و حقانیت خود و فرزندشان حضرت مهدی (عج) بیشتر به واسطه بکارگیری «علم غیب» بوده و این نتیجه‌ای است که تنها در پایان جمیع تحلیل‌های کمی و کیفی می‌توان بدان دست یافت، وگرنه با مشاهده هر نامه ممکن است ذهن مخاطب به سمت آن موضوع خاص معطوف شده و از درک کلیت موضوعاتی که در این زمینه بیان شده‌اند، غافل شود.

به عنوان نمونه ایشان در پاسخ به پرسش افراد، به گونه‌ای عمل می‌کرده‌اند که علاوه بر پاسخ‌گویی علمی و دقیق به آن فرد، با استفاده از قدرت «علم غیب»، مطالبی را به عنوان ضمیمه پاسخ، بیان نموده تا

فرد با مطالعه آن متوجه شود که فرستنده نامه، عالم به همه احوال درونی و باطنی وی بوده و از همه اسرار وی آگاه است. این مطلب به وضوح در اکثریت نامه‌ها مشاهده می‌شود.

به عنوان مثال «حسن بن ظریف» می‌گوید: دو مسأله در سینه من خطور کرد و خواستم برای پاسخش نامه‌ای به امام عسکری (ع) بنویسم، آنگاه نامه نوشتم و از یکی از آن دو مسأله پرسش کرده و دیگری را فراموش نمودم. جواب نامه‌ام که آمد نوشته بود: «از امام قائم پرسیدی؟ چون او قیام کند به علم خود میان مردم داوری کند مانند داوری‌های حضرت داود، و گواه نخواهد، و می‌خواستی از علاج تب و نوبه بررسی و فراموش کردی، برای معالجه آن این آیه را در ورقه‌ای بنویس و به همراه شخص تب دار کن: «یا ناو کونی بود» و سلامه‌علی‌ا‌براهیم». من آن آیه را نوشتم و همراه تب دار کردم و خوب شد (کلینی، ۵۰۹/۱).

همچنین ابوهاشم نقل می‌کند که پس از درخواست آموزش دعا و دریافت پاسخ امام (ع)، در انتهای دعا عبارت «اللهم اجعلنی فی حزبک و فی زمرتک» را از جانب خود اضافه نموده و تنها این مطلب را در ذهن خود داشته تا اینکه مجدد نامه‌ای از امام (ع) به دست او می‌رسد و بیان می‌دارد که: «أنت فی حزبه و فی زمرته إذ كنت بالله مؤمناً و لرسوله مصدقاً و لأولیائه عارفاً و لهم تابعاً...». تو خود به خود در حزب و زمره آن‌ها خواهی بود در صورتی که به خداوند ایمان داشته باشی و رسول او را تصدیق نمائی و عارف به حق اولیای الهی گردی و از آنان اطاعت کنی... (اربلی، ۴۲۱/۲).

مشخص است که در این موارد، امام (ع) بر مبنای «علم غیب» خود به گونه‌ای پاسخ داده‌اند که هم آن فرد در ذهن خود انتظار چنین پاسخی را داشته و هم به نوعی می‌توان آن‌ها را جزء ادله امام (ع) برای اثبات امامت خود قلمداد نمود. این مطلب، یعنی استفاده از قدرت علم غیب، در دیگر پاسخ‌های امام (ع) نیز مشهود است. به عنوان مثال، داود بن القاسم الجعفری نامه‌ای به امام حسن عسکری (ع) می‌نویسد و از سختی زندان و شکنجه مأموران شکایت می‌کند و از امام (ع) طلب دعا برای آزادی می‌نماید. امام (ع) در پاسخ وی می‌نویسد: «أنت تصلی الیوم الظهر فی منزلک»؛ نماز ظهر امروز را در منزلت خواهی خواند. وی در ادامه بیانی می‌کند که در هنگام ظهر مأموران زندان به سراغ وی آمده و او را آزاد کرده و او نماز ظهر را در منزل خود خوانده است (ابن شهر آشوب، ۴۳۲/۴).

همچنین وی مردی تنگدست نیز بوده است اما در نامه خود از امام (ع) حیا کرده و راجع به این مطلب چیزی نگفته است اما هنگامی که از زندان آزاد و وارد منزل خود شده، صد دینار از طرف امام (ع) برای وی همراه با نامه‌ای بدین مضمون ارسال شده است: «إذا كانت لك حاجة فلا تستجی و لا تحتشم و اطلبها فإفك تری ما تحب إن شاء الله». هر گاه حاجتی داشتی شرم و ملاحظه نکن، و آن را بخواه؛ که آنچه خواهی به تو خواهد رسیدان شاء الله (الارشاد، ۳۳۰/۲).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با بیان برخی از کارکردهای کیفی استفاده از روش «تحلیل محتوا»، در عین معرفی این روش تحقیق، ضرورت استفاده از روش‌های تحقیق جدید و میان رشته‌ای در حوزه فهم احادیث و نصوص دینی تبیین شود و علاقه‌مندان به تحقیق و پژوهش در حوزه علوم دینی را به افقی جدید در این عرصه راهنمایی کند.

کاربردهای مختلف استفاده از روش تحلیل محتوا را می‌توان در دو حوزه کاربردهای کمی و کیفی تفکیک نمود. منظور از کاربردهای کمی؛ استخراج آمار و اطلاعاتی است که اگرچه به صورت عددی و در قالب نمودار و جدول ارائه می‌شوند، لکن موجب فهم اولیه و سریع کل محتوای مورد تحلیل، شده و راه را برای ورود به تحلیل‌های کیفی باز می‌کنند. در حقیقت این نتایج تحلیل‌های کمی است که به محقق می‌فهماند مسیر تحلیل‌های کیفی خود را از کجا باید آغاز کند و به دنبال پاسخگویی به چه پرسش‌هایی باشد. طبیعی است پیگیری یادداشت‌های نظری نگاشته شده در طول مسیر تحقیق نیز می‌تواند بخشی از محتوای تحلیل‌های کیفی را تأمین نماید.

در بخش کارکردهای کیفی، نتایج و موارد مختلفی قابل پیچوبی و بیان هستند که در این مقاله صرفه سه نمونه آن‌ها از جمله: (۱) آگاهی از شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه عصر ائمه اطهار (ع)، (۲) آگاهی از ساختار حاکم بر روایات یک امام معصوم (ع) و نیز (۳) آگاهی از سبک و سیره خاص هر امام (ع) اشاره شد و در ذیل هر کدام، نمونه‌ها و مثال‌های متعددی بیان گردید تا این نتایج بطور ملموس و عینی برای خواننده گرامی قابل فهم و درک باشد. مثال‌های مطرح شده در ذیل هر کدام از این دو کارکرد کلی خود بیانگر این موضوع هستند که به چه میزان این کارکردها کلی و فراگیر بوده و خود موجبات ورود به عرصه‌های جدیدتر و جزئی‌تری از تحلیل را باز می‌کنند.

در حقیقت ویژگی خاص و مهم این مقاله در این است که برخلاف کتب تاریخی و یا شرح حال نگاری که تنها از کلمات ائمه اطهار (ع) برای استنادات تاریخی خود استفاده می‌کنند، در پی این بوده تا از رویکردهای تاریخی چشم‌پوشی کرده و صرفه به تحلیل محتوای آنچه ائمه اطهار (ع) در کلمات خود به مردم جامعه بیان فرموده‌اند، پردازد و از خلال آن، دیدگاه‌ها و مبانی ایشان را پیرامون مسائل مهم و مورد نیاز جامعه استخراج نماید.

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، *الغنیة*، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.

- ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *المسند*، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم: مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن طاوس، علی بن موسی، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم: دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- ابو غالب زراری، احمد بن محمد، *رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين*، قم: مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامیه، ۱۳۶۹.
- اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة في معرفة الأئمة*، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
- امین، احمد، *ضحی الاسلام*، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۲۰۱۰ م.
- امین، محسن، *أعیان الشیعة*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
- باردن، لورنس، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *حلیة الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار (ع)*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
- _____، *مدینة معاجز الأئمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
- بسطام، عبد الله و حسین، *طب الأئمة علیهم السلام*، قم: نشر رضی، ۱۴۱۱ ق.
- جانی پور، محمد و رضا شکرانی، «ره‌آورد های استفاده از روش «تحلیل محتوا» در فهم احادیث»، *مجله پژوهش های قرآن و حدیث دانشگاه تهران*، سال ۴۶، شماره ۲، (۱۳۹۲)، صص ۲۷-۵۷.
- جانی پور، محمد، «سیاست و مدیریت سیاسی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)»، *فصلنامه پژوهش دینی*، شماره ۱۱، (۱۳۹۰).
- _____، *اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین و معاویه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- _____، *تحلیل محتوای ادعیه صحیفه رضویه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ویژه نامه همایش صحیفه رضویه، ۱۳۹۱.
- جباری، محمد رضا، *سازمان و کالت و نقش آن در عصرنامه (ع)*، قم: مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- چوبینه، مهدی، *طرح مطالعاتی راهنمای برنامه درسی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، بیروت: انتشارات اعلمی، ۱۴۲۵ ق.

- _____، *وسائل الشیعه*، تهران: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۱ ق.
- حموی، محمد بن اسحاق، *أنیس المؤمنین*، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۳.
- خزعلی، ابوالقاسم، *موسوعة الامام الهادی (ع)*، قم: مؤسسه ولی عصر (عج)، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، به کوشش یوسف مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- صدر، محمد، *تاریخ الغیبة*، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۲ ق.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: آل البيت، ۱۴۱۷ ق.
- _____، *الغیبة للحجة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، قم: دار المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
- _____، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
- عبد الوهاب، حسین، *عیون المعجزات*، قم: مكتبة الداوری، بی تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، ۱۴۱۲ ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *السوافی*، تصحیح ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ ق.
- قرشی، باقر شریف، *زندگانی امام هادی (ع)*، سید حسن اسلامی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- کرپیندورف، کلوس، *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، انتشارات روش، ۱۳۷۸.
- کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی* (اختیار معرفة الرجال)، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات توتیا، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- مسعودی، علی بن حسین، *إثبات الوصية للإمام علی بن أبی طالب*، قم: انتشارات انصاریان، ۱۴۲۶ ق.
- معارف، مجید، *تاریخ حدیث شیعه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- مفید، محمد بن محمد، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

نباطی بیاضی، علی، *الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم*، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ ق.
هولستی، آل. آر، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات
دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.

